

رابطه ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری

یحیی حساس یگانه *

مرتضی احمدی **

چکیده

ساختار حاکمیت شرکتی قوی منجر به نظارت بهتر بر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به موقع، و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیأت مدیره و انجام اقدامات لازم خواهد گردید (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۵). در سوی دیگر، محافظه کاری ایجاد کننده سیستمی است که از اضافه پرداخت به مدیران جلوگیری کرده و مانعی برای هرگونه خوشبینی افراطی مدیران خواهد بود (واتز، ۲۰۰۳). اگر محافظه کاری واقعاً نقشی در اداره مشکلات نمایندگی ایفا کند، آنگاه انتظار می رود با افزایش تضاد منافع مدیران و مالکان، تقاضا برای محافظه کاری افزایش یابد. به این ترتیب شرکت‌هایی با ساختار حاکمیت شرکتی مناسبتر، درجه بالاتری از محافظه کاری را نیز نشان می دهند (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۵). این بدین معنی است که انتظار می رود حساسیت بازده به اخبار بد نسبت به اخبار خوب در بین شرکت‌هایی با ساختار حاکمیت شرکتی قوی تر، بیشتر باشد (باسو، ۱۹۹۷).

در این تحقیق با بررسی اطلاعات ۱۷۹ شرکت حاضر در بورس اوراق بهادار تهران در طی دو سال ۸۹ و ۸۸ و با استفاده از رگرسیون چندگانه و داده‌های مقطعی، ارتباط بین سازوکارهای میزان سهام بزرگترین سهامدار، شخصیت اصلی بودن، میزان تمرکز سهام، حضور مدیر عامل در هیئت مدیره، مالکیت و نفوذ دولت، رتبه کیفیت افشا، میانگین سهام تحت تملک اعضا هیئت مدیره، درصد سهام شناور آزاد شرکت، حضور متخصص مالی غیرموظف در هیئت مدیره، نسبت مدیران غیرموظف و مرجع حسابرسی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی که نقش مهمی در این خصوص ایفا می کنند با محافظه کاری حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که به غیر از میزان تمرکز سهام شرکت و کیفیت افشا و اطلاع رسانی بین سایر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری حسابداری روابط معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، محافظه کاری، هیأت مدیره، ذینفعان

* استادیار و عضو هیأت علمی گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

جدایی مالکیت از مدیریت منجر به مسئله نمایندگی گردیده است. برای حل تضاد منافع ناشی از مسئله نمایندگی، سازوکارهایی مطرح گردیده‌اند که از جمله این سازوکارها، سازوکارهای حاکمیت شرکتی می‌باشند. در سالهای اخیر حاکمیت شرکتی به یک جنبه اصلی و پویای تجارت تبدیل شده است و توجه به آن به صورت تصاعدی رو به افزایش است (حساس یگانه، ۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی مجموعه سازوکارهای کنترلی داخلی و خارجی شرکتی است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شود. نظام حاکمیت شرکتی که با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی سر و کار دارد، موجب ترغیب استفاده کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی شرکت‌ها درخصوص ایفای وظیفه مباشرت برای اداره منابع می‌شود. (قالیباف و رضایی، ۱۳۸۶). ادبیات موجود بیان می‌کنند که سازوکارهای حاکمیت شرکتی به طور با اهمیتی، رویه‌های حسابداری شرکت و تصمیمات حسابرسان و کیفیت اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (زیا و ژو، ۲۰۰۹).

محافظه‌کاری یکی از مهمترین میثاق‌های محدود کننده صورتهای مالی به شمار رفته و بر اعمال احتیاط در شناسایی و اندازه‌گیری درآمدها و دارایی‌ها دلالت دارد. بدون تردید، محافظه‌کاری جایگاه مهمی در باورهای حسابداران دارد؛ در واقع حتی عده‌ای آن را اصل حسابداری هم نامیده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۸۰). از نظر اسمیت و اسکوسن^۲ (۱۹۸۷)، محافظه‌کاری عبارت است از انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به ارائه کمتر داراییها و درآمدها بیانجامد و کمترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. مباحث بالا نشان می‌دهد که محافظه‌کاری ابزاری بالقوه مفید برای هیئت مدیره و ساختارهای حاکمیت شرکتی در جهت ایفای نقش تصویبی و نظارتی بر تصمیم‌های کلیدی به شمار می‌رود. از آنجا که هیئت مدیره‌های قوی‌تر در انعقاد قراردادهای مؤثر،

1- Xia & Zhu

2- Smith & Skousen

خبره هستند و از منافع محافظه کاری اطلاع بیشتری دارند، به احتمال بیشتری حسابداری محافظه کارانه تر را از مدیریت طلب خواهند کرد. همچنین استقرار سایر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نیز می‌تواند بر روی رفتار مدیریت تاثیر گذار باشد. در این تحقیق سعی بر آن شده حدود تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی و مکانیسم‌های آن در فرآیند گزارشگری مالی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

ادبیات پژوهش

حاکمیت شرکتی

بررسی متون متعدد و معتبر نشان می‌دهد که اولین و قدیمی‌ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین Gubenare به معنای هدایت کردن، گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که اولین تعریف حاکمیت شرکتی، بیش‌تر بر راهبری تمرکز دارد تا کنترل. تعریف‌های مختلفی از حاکمیت شرکتی وجود دارد، از تعریف‌های محدود و متمرکز بر شرکت‌ها و سهام‌داران آن‌ها گرفته تا تعریف‌های جامع و در برگیرنده پاسخ‌گویی شرکت‌ها در قبال گروه کثیری از سهام‌داران، افراد یا ذی‌نفعان. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تفاوت‌های چشمگیری در تعریف بر اساس کشور مورد نظر وجود دارد. حتی در آمریکا یا انگلستان نیز رسیدن به تعریف واحد کار چندان آسانی نیست (حساس یگانه، ۱۳۸۵)

فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱ در سال ۲۰۰۴، حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده است: «حاکمیت شرکتی عبارت از مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیئت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین‌کننده دست‌یابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است» (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ در سال ۱۹۹۸، حاکمیت شرکتی را چنین بیان

1- International Federation of Accountants (IFAC)

2- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

کرد: «حاکمیت شرکتی، سیستمی است که به وسیله آن شرکت‌های تجاری، کنترل و هدایت شوند. ساختار حاکمیت شرکتی، تقسیم حقوق و مسئولیت‌ها را در بین اعضای هیئت مدیره، مدیران، سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان مشخص می‌کند. همچنین قوانین و رویه‌های تصمیم‌گیری در خصوص امور شرکت را باصراحت بیان می‌کند. با تحقق این امر، حاکمیت شرکتی ساختاری را ارائه می‌کند که از طریق آن، اهداف شرکت، ابزارهای دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد، تعیین می‌شود» (حساس یگانه، ۱۳۸۵)

«دریک نگاه کلی حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کنند. عناصری که در این صحنه حضور دارند عبارتند از سهامداران و ساختار مالکیت ایشان، اعضای هیئت مدیره و ترکیب ایشان، مدیریت شرکت که توسط مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند» (حساس یگانه و پوریان‌سب، ۱۳۸۴، ۱۹).

محافظه‌کاری حسابداری

واتز و زیمرمن^۱ (۱۹۸۶) در تعریف محافظه‌کاری چنین نوشته‌اند: «محافظه‌کاری یعنی این که حسابدار باید از بین ارزش‌های ممکن برای دارایی‌ها، کم‌ترین و برای بدهی‌ها، بیش‌ترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر». محافظه‌کاری علیرغم انتقادهای فراوان بر آن همواره جایگاه خود را در میان سایر اصول حسابداری حفظ نموده و می‌توان از آن به عنوان مکانیسمی نام برد که اگر به درستی اعمال شود، منجر به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد که به طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تأمین‌کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می‌شود (کردستانی و لنگرودی، ۱۳۸۷، ۹۰).

مدیران به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با وقوف کامل بر وضعیت مالی

شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیش تر نسبت به استفاده کنندگان صورت‌های مالی، به طور بالقوه سعی دارند که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه داده و انگیزه تزریق سرمایه و منابع مالی از طریق افراد برون سازمانی به شرکت را افزایش دهند. در چنین شرایطی اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین کننده استانداردهای حسابداری، با هدف متعادل کردن خوش بینی مدیران، حمایت از حقوق ذی‌نفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری را به کار می‌برند. به عقیده باسو، نفوذ محافظه‌کاری بر رویه‌های حسابداری حداقل ۵۰۰ سال قدمت دارد. استرلینگ^۱ محافظه‌کاری را پرنفوذترین اصل ارزش‌یابی در حسابداری می‌داند (به نقل از واتز، ۲۰۰۳، ۲۰۸).

برخی از فواید محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را می‌توان اینگونه بیان کرد، محافظه‌کاری احتمال پاداش اضافی به مدیران را از طریق جلوگیری از اظهار بیش از حد داراییها و سود، کاهش می‌دهد (واتز، ۲۰۰۳)، محافظه‌کاری نشانه‌هایی را برای مدیران می‌فرستد که از طریق آن پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی را سریعتر شناسایی و اقدامات مفیدی را برای محدود کردن زیانها داشته باشند (بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵) محافظه‌کاری به عنوان یک عامل کاهنده انگیزه مدیریت برای شرکت در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی می‌باشد (بال، ۲۰۰۱ و واتز، ۲۰۰۳)

حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری

حاکمیت شرکتی نقش مهمی در استفاده از محافظه‌کاری ایفا می‌کند. حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از رویه‌هایی است که برای کسب اطمینان نسبت به استفاده کارا از دارایی‌های شرکت و عدم بکارگیری آنها در جهت اهدافی مغایر با اهداف ذینفعان پیاده می‌شوند. ساختار حاکمیت شرکتی قوی منجر به نظارت بهتر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به موقع، و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیأت مدیره و انجام اقدامات لازم خواهد گردید. محافظه‌کاری نیز تمامی منافع ذکر

1- Sterling

2- Ball & Shivakumar

شده در بالا را به دنبال خواهد داشت (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۵).

هیأت مدیره‌ها نقش اساسی در تصمیم‌سازی دارند و حیاتی‌ترین جزء سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نظارت داشتن بر مدیریت است (دوئلن، ۲۰۰۶). محافظه‌کاری به عنوان ابزاری مفید برای هیأت مدیره برای اجرای کامل وظایف کلیدی همچون تعیین استراتژی‌ها، نظارت همه جانبه بر مدیران اجرایی شرکت، اطمینان نسبت به پاسخگویی به سهامداران و ذینفعان در سالهای جدید مطرح شده است (جو آن هو، ۲۰۰۹). محافظه‌کاری ایجاد کننده سیستمی است که از اضافه پرداخت به مدیران جلوگیری کرده و مانعی برای هرگونه خوشبینی افراطی مدیران خواهد بود (واتز، ۲۰۰۳). نبود سیستم حسابداری محافظه‌کارانه باعث می‌شود که مدیران همچنان پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی را ادامه داده تا زیانی نسبت به فروش‌های خود گزارش نکنند (بال، ۲۰۰۱). با شناسایی سریعتر زیان‌ها، محافظه‌کاری به هیأت مدیره در تمایز قائل شدن بین پروژه‌هایی با خالص ارزش فعلی منفی با دیگر پروژه‌ها کمک می‌کند (احمد و دوئلن، ۲۰۰۷).

مدیران برای جلوگیری از عزل خود سعی در پنهان کردن زیان‌ها دارند. تحمل زیان‌ها و یا پذیرش پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی می‌تواند سهامداران را به سمت برکنار کردن مدیران سوق دهد. بکارگیری محافظه‌کاری، شناسایی به موقع زیان‌ها را سرعت بخشیده و برای هیأت مدیره و سهامداران شواهدی از ناکارآیی عملیات فراهم آورده و آنان را نسبت به پیگیری زیان و بررسی دلایل آن هوشیار می‌سازد. چنین بررسی‌هایی می‌تواند منجر به کنارگذاری مدیر و حذف پروژه‌هایی که ارزش فعلی خالص منفی دارند، شود. به دلیل وجود چنین تضادی بین منافع و انگیزه‌های مدیران، سهامداران و سایر تأمین کنندگان سرمایه، سازوکارهای ساختار حاکمیت شرکتی به کار گرفته می‌شوند تا با نظارت مؤثر بر قراردادها و رفتار مدیریت، مشکلات نمایندگی را کاهش دهند. ادبیات تحقیق در زمینه ساختار حاکمیت شرکتی بر نقش اعضای مستقل هیأت مدیره در کاهش مشکلات ناشی از مسئله نمایندگی، از طریق نظارت و هدایت رفتار مدیریت اجرایی و طراحی مشوق‌هایی برای آنان تأکید

می کنند (فاما و جنسن^۱، ۱۹۸۳).

با توجه به اینکه مسائل نمایندگی به احتمال زیاد هنگام عدم همسویی مالکان و مدیران شدیدتر خواهد بود و اگر محافظه کاری واقعاً نقشی در اداره مشکلات نمایندگی ایفا کند، آنگاه انتظار می رود با افزایش تضاد منافع مدیران و مالکان، تقاضا برای محافظه کاری افزایش یابد، می توان نتیجه گرفت که سازوکارهای حاکمیت شرکتی همچون وجود اعضای مستقل در هیأت مدیره و یا مالکیت مدیران می توانند به عنوان راهکارهایی در جهت حفظ منافع سهامداران (از جمله به وسیله محافظه کاری اتخاذ شده در روشهای حسابداری) به شمار آیند. به این ترتیب شرکتی با ساختار حاکمیت شرکتی مناسبتر، درجه بالاتری از محافظه کاری را نیز نشان می دهند (گارسیا و همکاران، ۲۰۰۵). این بدین معنی است که انتظار می رود حساسیت بازده به اخبار بد نسبت به اخبار خوب در بین شرکت هایی با ساختار حاکمیت شرکتی قوی تر، بیشتر باشد (باسو، ۱۹۹۷).

با توجه به این که مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران که محافظه کاری را به عنوان یکی از خصوصیات کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته و همچنین فوایدی که درباره محافظه کاری بیان شد و با در نظر گرفتن اهمیت ویژگیهای حاکمیت شرکتی، این سؤال مطرح می گردد: که آیا ویژگیهای حاکمیت شرکتی باعث محافظه کاری بیشتر در گزارشگری مالی می شوند یا خیر؟ در این تحقیق درصدد یافتن پاسخی علمی و درخور به این سوال هستیم.

لافوند^۲ و واتز (۲۰۰۸) نشان دادند عدم تقارن اطلاعاتی افراد داخل شرکت (از جمله مدیران) و سرمایه گذاران خارج از شرکت باعث ایجاد محافظه کاری در صورت های مالی می گردد. محافظه کاری انگیزه ها و توانایی مدیران را در دست کاری اعداد حسابداری کاهش می دهد و از این رو باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و زیان های ناشی از آن می گردد. هر چه عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخل و سرمایه گذاران خارج از شرکت بیشتر باشد، تقاضا برای محافظه کاری، بیش تر خواهد

1- Fama & Jensen

2- Lafond

بود. گارسیا و همکاران (۲۰۰۵) رابطه ساختار حاکمیت شرکتی قوی را با محافظه کاری مورد بررسی قرار دادند. در تحقیق ایشان که در بین شرکت‌های آمریکایی انجام شده، به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌هایی که سیاست‌های ضد قبضه خصمانه ضعیفی اعمال می‌شود و مدیر عامل اثرگذاری کمی در تصمیمات هیأت مدیره دارد، درجه بالاتری از محافظه کاری در شناسایی اخبار بد اعمال می‌گردد. جو آن هو (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی ویژگی‌های هیأت مدیره و ارتباط آن‌ها با محافظه کاری در حسابداری پرداخت. نتایج این تحقیق نشان‌گر رابطه منفی بین نسبت اعضای موظف هیأت مدیره با محافظه کاری؛ رابطه منفی اندازه هیأت مدیره با محافظه کاری و استفاده هیأت مدیره‌های قوی از محافظه کاری در حسابداری بوده است. در مقایسه این تحقیق با تحقیقات کشورهای آنگلو ساکسون باید به سیستم شرکت‌داری سرمایه‌گذاران نهادی و سازمانی در مالزی اشاره کرد. احمد و دونلمن (۲۰۰۷) با استفاده از نمونه‌ای از حدود ۷۵۰ سال - شرکت به بررسی رابطه محافظه کاری با ویژگی‌های هیأت مدیره پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که درصد بالاتر مدیران اجرایی در هیأت مدیره منجر به کاهش محافظه کاری می‌شود. بین درصد مالکیت اعضای غیرموظف هیأت مدیره با محافظه کاری رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. بین مالکیت مدیران و میانگین تعداد حضور اعضا در هیأت مدیره دیگر شرکت‌ها، عدم تصدی هم‌زمان پست مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره و محافظه کاری سنجیده شده در هر سه معیار رابطه معنی‌داری وجود ندارد. گارسیا و همکاران (۲۰۰۹) رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری را بررسی کردند. آن‌ها برای اندازه‌گیری محافظه کاری از شاخص مبتنی بر بازار و دو شاخص مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده کردند و شاخص گامپرز^۱ برای سازوکارهای بیرونی حاکمیت شرکتی و سه شاخص دوگانگی وظیفه مدیر عامل، ترکیب هیأت مدیره و کارایی هیأت مدیره برای سازوکارهای درونی حاکمیت شرکتی بکار بردند. آن‌ها نتیجه گرفتند که شرکت‌هایی که دارای سازوکارهای قوی‌تر حاکمیت شرکتی می‌باشند، میزان محافظه کاری در

آن‌ها بیش‌تر می‌باشد.

در داخل کشور چند تحقیق به موضوع پژوهش حاضر پرداخته، لکن این تحقیقات تعداد اندکی از مکانیزمهای حاکمیت شرکتی را در غیاب سایر مکانیزمهای تاثیرگذار در مدل خود آزمون نموده اند. حساس یگانه (۱۳۸۵) به بررسی نقش هیأت مدیره در حاکمیت شرکتی پرداخته و بیان کرده اند که؛ تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و نقش مدیران غیرموظف مستقل در هیأت مدیره شرکت و عملکرد نظارتی آن‌ها به عنوان افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود میان سهامداران و مدیران شرکت در جلسات هیأت مدیره کمک شایانی نموده است. حسنی (۱۳۸۸) در بررسی رابطه ترکیب هیأت مدیره و درصد مالکیت مدیران غیرموظف هیأت مدیره با محافظه کاری در حسابداری به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبت معنی‌دار بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و محافظه کاری و نیز رابطه منفی و معنی‌دار بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت مدیره و محافظه کاری وجود دارد. مرادزاده (۱۳۹۰) در بررسی رابطه چهار مکانیزم حاکمیت شرکتی با محافظه کاری، وجود رابطه مثبت بین درصد مالکیت نهادی و درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و رابطه منفی بین تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل با محافظه کاری را تایید و رابطه ای بین وجود حسابرس داخلی و محافظه کاری مشاهده نکرد. چالاکی (۱۳۹۰) در بررسی رابطه بین ویژگیهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری رابطه معنی‌داری بین تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و استقلال هیأت مدیره با محافظه کاری مشاهده نکرد. رابطه بین نسبت بدهی با محافظه کاری نیز منفی گزارش شده است. بادآور نهندي (۱۳۹۱) نیز عدم رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت و استقلال اعضای هیأت مدیره با محافظه کاری را نتیجه گیری کرده است.

فرضیه‌های پژوهش

همان گونه که تشریح شد، پژوهش حاضر درصدد روشن ساختن رابطه متقابل بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. با توجه به این مقدمه این پژوهش دارای فرضیه های زیر است:

۱. بین حضور مدیر عامل در هیأت مدیره شرکت و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۲. بین نسبت مدیران غیرموظف در هیأت مدیره و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۳. بین میانگین سهام تحت تملک اعضا هیأت مدیره و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۴. بین حضور متخصص مالی غیرموظف در هیأت مدیره شرکت و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۵. بین میزان سهام بزرگترین سهامدار شرکت و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۶. بین شخصیت اصلی و یا فرعی بودن شرکت و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۷. بین میزان تمرکز سهام شرکت (میزان سهام در اختیار دومین سهامدار بزرگ شرکت تا سهامداران بالای ۱ درصد یا ساختار توزیع سهام) و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۸. بین میزان سهام شناور شرکت در بورس و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۹. بین مالکیت و نفوذ دولت بر شرکت و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۱۰. بین مرجع حسابرسی صورتهای مالی شرکت و محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.
۱۱. بین کیفیت افشا و اطلاع رسانی شرکت با محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود دارد.

متغیرهای پژوهش

با بررسی متون موجود در زمینه حاکمیت شرکتی و تحقیقات صورت گرفته در بازار سرمایه سایر کشورها و همچنین بهره گیری از نظرات متخصصان این زمینه، تعدادی از شاخصها و سازوکارهای حاکمیت شرکتی در سطح شرکتهای پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار به عنوان شاخص‌های ساختار حاکمیت شرکتی به عنوان متغیرهای مستقل برای بررسی‌های لازم، انتخاب و اطلاعات مربوط به آن شاخص‌ها از صورت‌های مالی شرکت و یادداشت‌های ضمیمه، گزارش فعالیت هیأت مدیره، و همچنین مراجعه به اطلاعیه‌ها و گزارش‌های سازمان بورس اوراق بهادار جمع آوری و برای هر کدام از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نسبت یا مقدار مربوطه محاسبه می‌گردد. سعی می‌شود متغیرهایی که برای سنجش سطح حاکمیت شرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرند از لحاظ نظری به نحو مؤثری با نحوه عملکرد ساختار حاکمیت شرکتی در ایران در ارتباط بوده و به علت عدم اطلاع رسانی کافی و مناسب بتوان این شاخص‌ها را از اطلاعات موجود و ارائه شده از سوی شرکتها و سازمان بورس اوراق بهادار تهران اندازه‌گیری و کمی نمود. در ادامه سازوکارهای حاکمیت شرکتی مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۱. حضور مدیر عامل در هیأت مدیره (Ceo) این متغیر نسبی بیان می‌دارد که آیا مدیر عامل عضو هیأت مدیره هست یا خیر. اگر جواب مثبت باشد، این متغیر مقدار صفر را به خود اختصاص می‌دهد و در غیر این صورت، عدد ۱ را می‌پذیرد. عضویت مدیر عامل در هیأت مدیره دارای آثار منفی بر حاکمیت شرکتی است.
۲. درصد مدیران غیرموظف در هیأت مدیره (OutD) این متغیر نشان دهنده درصد اعضاء غیرموظف در هیأت مدیره است. حضور اشخاصی در هیأت مدیره که دارای سمت اجرایی در شرکت نمی‌باشند، دارای اثرات مثبتی بر حاکمیت شرکتی است.
۳. نسبت سهام تحت تملک اعضاء هیأت مدیره (BoS) این متغیر نشان دهنده میانگین سهام اعضاء حقیقی و حقوقی هیأت مدیره می‌باشد. برای محاسبه این شاخص جمع درصدهای مالکیت کلیه اعضاء هیأت مدیره بر تعداد اعضاء هیأت مدیره آن شرکت تقسیم می‌شود. هرچه این درصد بیشتر باشد، انتظار ساختار حاکمیت شرکتی قوی‌تری را داریم.
۴. حضور متخصص مالی غیرموظف در هیأت مدیره (FD) حضور متخصصان مالی غیرموظف که دارای مدارک حرفه‌ای و یا دانشگاهی در زمینه‌های حسابداری، مدیریت و یا اقتصاد می‌باشند، می‌تواند دارای اثر مثبت بر ساختار حاکمیت

- شرکتی باشد. این موضوع در اساسنامه نمونه شرکتهای بورسی نیز تأکید شده است. این متغیر نسبی در صورت وجود متخصص یا متخصصان مالی غیرموظف عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد صفر را می‌پذیرد.
۵. میزان درصد سهام بزرگترین سهامدار شرکت (T1) این متغیر نشان دهنده درصد سهام تحت تملک و یا اختیار بزرگترین سهامدار شرکت می‌باشد. انتظار می‌رود این متغیر دارای اثر معکوس بر ساختار حاکمیت شرکتی باشد.
۶. شخصیت اصلی و یا فرعی بودن شرکت (Par) به علت نفوذ قابل ملاحظه و یا کنترل شرکت اصلی بر شرکت فرعی، فرعی بودن شرکت دارای اثرات منفی بر ساختار حاکمیت شرکتی می‌باشد. این متغیر نسبی در صورتی که شرکت خود شرکت اصلی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد صفر را می‌پذیرد.
۷. ساختار توزیع سهام شرکت (SSD) هر چه سهام در اختیار سهامداران بالای ۱ درصد به غیر از سهامدار اصلی شرکت بیشتر باشد، توزیع سهام غیر متمرکزتر بوده و این موضوع دارای اثرات مثبت بر ساختار حاکمیت شرکتی است. این شاخص حاصل جمع درصد سهامداری سهامداران بالای ۱ درصد به غیر از سهامدار اصلی (سهامدار اصلی و سایر سهامداران وابسته به سهامدار اصلی) است.
۸. درصد سهام شناور شرکت در بورس (Fio) میزان سهام شناور شرکت که توسط شرکت بورس گزارش می‌شود، سهام در اختیار مالکانی است که جدای از سهامداران اصلی و عمده شرکت بوده و در آینده نزدیک سهام خود را برای فروش عرضه خواهند کرد. این دسته از مالکان در حاکمیت شرکتی نقشی ایفا نکرده و این درصد دارای اثرات منفی بر ساختار حاکمیت شرکتی می‌باشد.
۹. درصد مالکیت و نفوذ دولت بر شرکت (Gov) اگر در شرکتی سهامدار عمده، دولت و یا نهادهای وابسته به دولت باشد، به دلیل الزام کمتر و انگیزه‌های جنبی مدیران و همچنین سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولتی در شرکتهای، ساختار حاکمیت شرکتی نسبت به سایر شرکتهای ضعیف تر خواهد بود، دلیل این امر عدم توجه دولت به سود بنگاه اقتصادی است. این متغیر نشان دهنده درصد سهامداری دولت بوده و با ساختار حاکمیت شرکتی رابطه عکس دارد. منظور از نفوذ دولت نیز مالکیت مستقیم دولت، وزارتخانه‌ها (به خصوص وزارت اقتصاد و دارایی)،

سازمانهای وابسته به دولت و کارگزاری سهام عدالت است.

۱۰. مرجع حسابرسی صورتهای مالی شرکت (Aud) این شاخص نشان دهنده آن است که صورتهای مالی شرکت توسط کدام گروه از حسابرسان مورد حسابرسی قرار گرفته است. به دلیل استقلال بیشتر و عدم وجود تعلقاتی نظیر تداوم همکاری، صورتهای مالی مورد حسابرسی سازمان حسابرسی و مؤسسات حسابرسی بزرگ، از شفافیت و افشا بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه دارای رابطه مثبت با سطح حاکمیت شرکتی می باشد. این متغیر نشان دهنده بزرگی مؤسسه حسابرسی بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط جامعه حسابداران رسمی ایران و بر اساس میزان درآمد مؤسسات است.

۱۱. کیفیت افشا و اطلاع رسانی (Cle) با توجه به این که بازار یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی می باشد، شرکتهایی که دارای رتبه کیفیت افشا و اطلاع رسانی بالاتری هستند به طور یقین قدرت بازار در نظارت بر ایشان بالاتر رفته و در سطح ساختار حاکمیت شرکتی بالاتری بسر می برند. این متغیر نشان دهنده رتبه شرکتهای بر اساس امتیاز کسب شده از نظر کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار اعلام گردیده است، می باشد.

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، شاخص محافظه کاری بر اساس مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) است که به صورت ذیل قابل محاسبه است. طبق این روش وجود مستمر اقلام تعهدی غیر عملیاتی منفی در طی یک دوره زمانی بلندمدت در شرکتها، معیاری از محافظه کاری به شمار می رود؛ یعنی هر چه میانگین اقلام تعهدی غیر عملیاتی طی دوره مربوطه منفی و بیش تر باشد، محافظه کاری، بیش تر خواهد بود. در عین حال، نرخ انباشتگی خالص اقلام تعهدی غیر عملیاتی منفی، نشانگر تغییر درجه محافظه کاری در طول زمان می باشد. معمولاً از این معیار به عنوان معیاری برای محافظه کاری غیر شرطی استفاده می شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۱).

- 1) $ACC_{i,t} = (NI_{i,t} + DEP_{i,t}) - CFO_{i,t}$
- 2) $OACC_{i,t} = \Delta(AR_{i,t} + I_{i,t} + PE_{i,t}) - \Delta(AP_{i,t} + TP_{i,t})$
- 3) $NOACC_{i,t} = ACC_{i,t} - OACC_{i,t}$

جدول ۱. مخففهای بکار رفته شده در محاسبه محافظه کاری

موجودی مواد و کالا	I	حسابهای دریافتی	AR
پیش پرداخت هزینه‌ها	PE	سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه	NI
حسابهای پرداختی	AP	هزینه‌های استهلاک	DEP
ذخیره مالیات پرداختی	TP	خالص جریان نقد عملیاتی	CFO
اقلام تعهدی غیرعملیاتی	NOACC	اقلام تعهدی عملیاتی	OACC
		اقلام تعهدی	ACC

احمد و دوئلمن (۲۰۰۷) با الهام از مدل گیولی و هاین معیار خود در اندازه‌گیری محافظه کاری به روش اقلام تعهدی را به شکل زیر ارائه کردند که هرچه مقدار بزرگتر باشد، بیانگر بالاتر بودن محافظه کاری است.

$$(-1) \times \frac{\text{خالص جریان نقد عملیاتی} - \text{هزینه‌های غیر نقدی} + \text{سود عملیاتی}}{\text{جمع داراییها در اول دوره}} = \text{شاخص محافظه کاری}$$

روش پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ می‌باشند که گزارش فعالیت هیأت مدیره آنها بر اساس نمونه جدید ارائه شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۸ تهیه شده باشد. دلیل این امر اطلاعات مورد نیاز در خصوص تخصص اعضای هیأت مدیره و میزان سهام در اختیار ایشان می‌باشد که در نمونه جدید گزارش فعالیت هیأت مدیره افشا شده است. همچنین رتبه کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب نیز در سال ۸۹ (مربوط به عملکرد سالهای ۸۸ و ۸۹ شرکتها) توسط سازمان بورس محاسبه و منتشر شده است. به علت فقدان داده‌های فراوان در بورس اوراق بهادار تهران، نمونه آماری ما به روش مقطعی و پس از اعمال محدودیت‌های ذیل مورد بررسی قرار گرفته است؛

۱. شرکتهای سرمایه‌گذاری، بانکها و هلدینگها به دلیل تفاوت در ماهیت فعالیت با سایر شرکتهای تولیدی و بازرگانی،

۲. شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند هر سال است به دلیل کنترل اثر زمان در تحقیق،

۳. شرکت‌هایی که در طول دوره زمانی تحقیق، سال مالی خود را تغییر داده‌اند به دلیل اثر زمان در تحقیق،

برآورد خط رگرسیون فرضیه اصلی به صورت چند متغیره و با استفاده از داده‌های مقطعی صورت خواهد گرفت، بدین صورت که ابتدا تمامی شاخصهای حاکمیت شرکتی را در رابطه رگرسیونی با شاخص محافظه کاری برآورد می‌کنیم:

$$CIG = \alpha_0 + \alpha_1 Ceo + \alpha_2 OutD + \alpha_3 BoS + \alpha_4 FD + \alpha_5 T1 + \alpha_6 Par + \alpha_7 SSD + \alpha_8 Flo + \alpha_9 Gov + \alpha_{10} Aud + \alpha_{11} Cle + \varepsilon_0$$

استنباط در مورد آزمون فرضها بر اساس سطح معنی‌داری بدست آمده از آزمون است بدین گونه که هرگاه مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد باشد فرض صفر در سطح ۹۵ درصد و اگر کمتر از ۱۰ درصد باشد در سطح اطمینان ۹۰ درصد رد می‌شود و در غیر اینصورت فرض صفر رد نمی‌گردد.

توصیف داده‌ها

در جدول زیر شاخصهای مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخصهای پراکندگی از جمله انحراف معیار، کشیدگی و چولگی برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان میدهد زیرا میانگین تحت تاثیر این مقادیر قرار میگیرد در این موارد توزیع داده‌ها چوله به راست است برای نمونه متغیرهای Gov و Aud توزیع چوله به راست است در برخی موارد چوله به چپ است هیچ کدام از متغیرهای تحقیق چوله به راست یا چپ نیستند و مقادیر میانگین و میانه متغیرها نزدیک به هم است که در این موارد توزیع متغیرها متقارن است این ویژگی اهمیت زیادی دارد زیرا تقارن یکی از ویژگیهای توزیع نرمال است که در بخش بعد به آن پرداخته خواهد شد. متغیر وابسته CIG با مقدار چولگی و کشیدگی به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۱/۱ بسیار به توزیع نرمال شبیه است (میزان کشیدگی و چولگی توزیع نرمال صفر است).

جدول ۱-۲. آمار توصیفی

کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	تعداد		
							معتبر	نامعتبر	
۱/۰۹۰	۰/۸۵۴	۰/۱۵۴۸۵۸	-۰/۸۵۴۱	۲/۲۳۱۴	۰/۰۹۴۷۸	۰/۱۱۳۳۳	۰	۳۵۸	CIG
-۰/۷۱۷	-۰/۲۶۳	۰/۲۴۴۵۴	۰	۱۰۰	۶۰/۰۰	۵۴/۲۷	۱۳	۳۴۵	Out D
۰/۳۸۰	-۰/۸۴۲	۴/۱۲۲۹۷	۵/۱۰۰۲	۱۸/۶۳۲	۱۴/۲۱۰۰	۱۳/۶۶۰۹	۳	۳۵۵	BoS
-۰/۳۵۲	-۰/۱۲۹	۲۱/۶۵۸۸۶	۴۰	۸۸	۵۲/۴۳۰۰	۵۲/۲۱۲۶	۱	۳۵۷	Tl
-۰/۷۲۲	۰/۲۳۵	۱۷/۶۱۰۰۸	۵/۴۱۰۳	۴۸/۶۳۲۷	۳۳/۳۳۰۰	۳۳/۵۵۴۴	۰	۳۵۸	SSD
۱/۸۹۸	۱/۲۲۰	۱۵/۱۴۱۴۱	۱	۵۰	۲۰/۰۰۰۰	۲۳/۹۳۸۵	۰	۳۵۸	FLO
۵/۸۵۱	۲/۶۶۹	۲۰/۶۸۲۲۵	۰	۹۸۳	۰/۰۰۰۰	۷/۶۱۳۳	۰	۳۵۸	Gov
۵/۷۱۸	۲/۳۳۳	۳۷/۷۰۴	۱	۲۰۲	۱۵/۰۰	۲۷/۹۰	۲	۳۵۶	Aud
-۰/۵۹۷	۰/۶۶۶	۸۴/۴۴۴۳۴	۱	۳۳۳	۱۰۵/۰۰	۱۳۳/۳۲۸	۵	۳۵۳	Cle

جدول ۲-۲. آمار توصیفی

Par		FD		Ceo		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۸	۲۴۲	۶۰	۱۹۷	۸۳	۲۹۸	۱
۳۲	۱۱۳	۴۰	۱۲۹	۱۷	۶۰	۲

بررسی نرمال بودن توزیع متغیر وابسته

نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرضیهایی رگرسیونی است که نشان دهنده اعتبار آزمونهای رگرسیونی است در ادامه با استفاده از آزمون کلموگروف - اسمیرنف^۱ نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته بررسی شده است. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر نوشته می‌شود.

$$\left[\begin{array}{l} \text{داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی می‌کند: } H_0 \\ \text{داده‌ها برای متغیر وابسته از توزیع نرمال پیروی نمی‌کند: } H_1 \end{array} \right.$$

1- Kolmogorev-smirnov test

جدول ۳. آزمون کلموگروف - اسمیرنف

CIG							تعداد	سال
سطح معنا داری	آماره کلموگروف اسمیرنف	تفاوت منفی	تفاوت مثبت	تفاوت مطلق	انحراف معیار	میانگین		
۰/۳۲۰	۰/۹۵۶	-۰/۰۸۴	۰/۱۲۴	۰/۱۲۴	۰/۱۴۲۹۸۳	۰/۰۶۲۴۲	۱۷۹	۸۸
۰/۲۴۹	۱/۰۲۰	-۰/۰۳۵	۰/۰۷۶	۰/۰۷۶	۰/۱۴۹۸۰۱	۰/۱۶۴۲۳	۱۷۹	۸۹

سطح معنی داری در سالهای ۸۸ و ۸۹ به ترتیب برابر با ۰/۳۲ و ۰/۲۵ که هیچکدام کمتر از ۵ درصد نیست بنابراین فرض صفر برای این متغیر رد نمی شود. یعنی توزیع متغیر در سالهای مختلف نرمال است (ترکیب داده های نرمال نیر نرمال است).

مدل رگرسیون چندگانه

با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه به برآورد مدل پرداخته میشود در این مدل تحلیل پارامترها با کنترل متغیرهای دیگر صورت می پذیرد بنابراین نتایج آن در این شرایط نتایج برآوردها به صورت خالصتری بر متغیر وابسته دیده میشود. لازم به ذکر است که در این تحلیل ابتدا معنی داری مدل با جدول تحلیل واریانس به عنوان مهمترین سوال بررسی و پاسخ داده شده است (مقدار احتمال F اگر کمتر از ۵ درصد باشد مدل معنی دار است) سپس با استفاده از معیار ضریب تعیین شدت همبستگی مدل بررسی شده است گرچه میزان ضریب تعیین مهم است اما عملاً در داده های بورسی انتظار ضریب تعیین بالا نمی رود. در مرحله سوم و در صورت معنی دار بودن مدل، پارامترها برآورد شده اند این بخش با استفاده از جدول ضرایب و آماره t امکانپذیر شده است و در نهایت علایم مناسب بودن شرایط برآوردها یا به عبارتی پیش فرضهای رگرسیون بررسی شده است مهمترین این پیش فرضها و روشهای بررسی و کنترل آنها عبارتند از نرمالیتی با استفاده از آزمون کلموگروف اسمیرنف، عدم خودهمبستگی باقیماندهها با استفاده از دوربین واتسون و عدم همخطی بین متغیرهای مستقل با استفاده از VIF.

برآورد مدل

مدل مفروض به صورت زیر است:

$$CIG = \alpha_0 + \alpha_1 Ceo + \alpha_2 OutD + \alpha_3 BoS + \alpha_4 FD + \alpha_5 T1 + \alpha_6 Par + \alpha_7 SSD + \alpha_8 Flo + \alpha_9 Gov + \alpha_{10} Aud + \alpha_{11} Cle + \varepsilon_0$$

فرض صفر و فرض مقابل در این مدل به صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha_{11} \\ H_1 : \alpha_i \neq 0 \quad i = 1, 2, \dots, 11 \end{cases} \quad \begin{cases} H_0 : \text{مدل معنی داری وجود ندارد} \\ H_1 : \text{مدل معنی داری وجود دارد} \end{cases}$$

در جدول زیر نتایج تحلیل رگرسیونی آورده شده است:

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیونی

سطح معنی داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰	۱۶/۲۹۲	۰/۲۷۹	۱۱	۳/۰۷۴	مدل رگرسیونی
		۰/۰۱۷	۲۹۷	۵/۰۹۴	باقیمانده ها
			۳۰۸	۸/۱۶۸	کل

مقدار سطح معنی داری F برابر با ۰/۰۰۰ است. این مقدار کمتر از ۵ درصد است بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود یعنی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل معنی داری وجود دارد.

جدول ۵. خلاصه اطلاعات مدل

مدل	R	R ²	تعدیل شده R ²	اشتباه برآورد	D-W
۱	۰/۶۱۳	۰/۳۷۶	۰/۳۵۳	۰/۱۳۰۹۶۶	۱/۹۳۴

میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۳۷۶ است یعنی در حدود ۳۷/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و کنترلی بیان می گردد. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۹۳ است. مقادیر نزدیک به ۲ حاکی از عدم خودهمبستگی باقیمانده ها که یکی دیگر از فروض رگرسیون است را نشان می دهد.

بر اساس آزمون معنی دار بودن ضرایب که همان چیزی است که پژوهشگر به دنبال آن می باشد، جدول زیر حاصل شده است. آماره مربوط برای تعیین معنی داری ضرایب، آماره t می باشد که بجای آن می توان از sig استفاده کرد. پس از تایید معنی داری ضرایب، از ضرایب محاسبه شده در ستون Beta، جهت و اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته تعیین می شود.

جدول ۶. ضرایب رگرسیونی مدل



مقدار آماره t برای عرض از مبدا برابر با $۰/۳۸$ - است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد در ناحیه عدم رد فرض صفر قرار دارد. یعنی مقدار عرض از مبدا معنی‌دار نیست.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

پس از آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های رگرسیونی، نتایج حاصل به تفکیک بدین ترتیب است:

۱. بین حضور مدیر عامل در هیأت مدیره شرکت و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد.
۲. بین نسبت مدیران غیرموظف در هیأت مدیره و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد.
۳. بین میانگین سهام تحت تملک اعضا هیأت مدیره و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و مثبت وجود دارد.
۴. بین حضور متخصص مالی غیرموظف در هیأت مدیره شرکت و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و مثبت وجود دارد.
۵. بین میزان سهام بزرگترین سهامدار شرکت و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و منفی وجود دارد.
۶. بین شخصیت اصلی بودن شرکت و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و مثبت وجود دارد.
۷. بین میزان تمرکز سهام شرکت (میزان سهام در اختیار دومین سهامدار بزرگ شرکت تا سهامداران بالای ۱ درصد یا ساختار توزیع سهام) و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری وجود ندارد.
۸. بین میزان سهام شناور شرکت در بورس و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و منفی وجود دارد.
۹. بین مالکیت و نفوذ دولت بر شرکت و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و منفی وجود دارد.
۱۰. بین مرجع حسابرسی صورتهای مالی شرکت و محافظه‌کاری، رابطه معنی‌داری و

مثبت وجود دارد.

۱۱. بین کیفیت افشا و اطلاع رسانی شرکت با محافظه کاری، رابطه معنی داری وجود ندارد.

بدین ترتیب بغیر از فرضیه های ۷ و ۱۱، دیگر فرضیه ها تایید می شوند.

نتیجه گیری

در این پژوهش رابطه بین برخی از مهمترین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و محافظه کاری مورد بررسی قرار گرفت. براساس ادبیات موضوع انتظار می رفت بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و با توجه به اثر آنها در ساختار حاکمیت شرکتی و محافظه کاری حسابداری روابط مثبت و منفی وجود داشته باشد. با توجه به آزمونهای انجام شده، بین نسبت مدیران غیرموظف در هیأت مدیره، میانگین سهام تحت تملک اعضا هیأت مدیره، حضور متخصص مالی غیرموظف در هیأت مدیره شرکت، شخصیت اصلی بودن شرکت، و مرجع حسابرسی صورتهای مالی با محافظه کاری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین حضور مدیر عامل در هیأت مدیره، میزان سهام بزرگترین سهامدار شرکت، میزان سهام شناور شرکت در بورس، و مالکیت و نفوذ دولت بر شرکت با محافظه کاری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. در آزمون ارتباط بین میزان تمرکز سهام شرکت و کیفیت افشا و اطلاع رسانی شرکت با محافظه کاری رابطه معنی داری حاصل نگردید.

در مطابقت نتایج این تحقیق با سایر تحقیقات داخلی و خارجی انجام شده در این خصوص می توان به تحقیق گارسیا و همکاران (۲۰۰۵) اشاره کرد که نتایج تحقیق ایشان نشان دهنده افزایش درجه محافظه کاری در هنگام اثرگذاری کم مدیرعامل در هیأت مدیره است. بیکس و همکاران^۱ (۲۰۰۴) نیز به این نتیجه رسیدند که شرکتهای با مدیران غیرموظف بیشتر اخبار بد را بموقع در سود منعکس می کنند. زیا و ژو (۲۰۰۹) کمتر شدن سطح مالکیت مدیریتی را باعث افزایش سطح محافظه کاری می دانند. بادآور نهندی و دیگران (۱۳۹۰) نیز عدم وجود رابطه بین تمرکز مالکیت با

محافظه کاری را اثبات کردند. چی و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در تحقیق خود تقاضای کمتر برای محافظه کاری در شرکتهای دارای درصد بالاتر سهامدار نهادی را به اثبات رساندند. واتز (۲۰۰۳) عقیده دارد که تعدیل کننده گان حسابداری، هزینه ناشی از بیش بیان کردن عایدات و داراییها را از منافع آن بیشتر می دانند. که این موضوع دارای ارتباط مستقیم با حسابرسان شرکت است. در رابطه با عدم همخوانی نتایج این تحقیق با تحقیقاتی همچون چالاکی (۱۳۹۰)، بادآور نهندی و دیگران (۱۳۹۰) و حسنی (۱۳۸۸) که عدم وجود رابطه بین استقلال اعضای هیئت مدیره با محافظه کاری و یا رابطه منفی بین این دو را در تحقیقات خود نتیجه گیری کرده اند و یا مهرانی و دیگران (۱۳۸۹) و مرادزاده فرد و دیگران (۱۳۹۰) که به وجود رابطه مثبت و معنی دار بین درصد مالکیت سهامدار نهادی با محافظه کاری اذعان کرده اند، می توان به عدم تطابق دوره های مورد آزمایش و مدل مورد استفاده برای اندازه گیری محافظه کاری و اشاره کرد.

نتایج پژوهش انجام شده با توجه به شاخصهای مختلف با پژوهش های محققان دیگری از جمله کریشنان و ویس واناتان^۲ (۲۰۰۸)، جو آن هو^۳ (۲۰۰۹)، احمد و دونلمن^۴ (۲۰۰۷)، لافوند و رویچوداری^۵ (۲۰۰۸)، گارسیا و همکاران (۲۰۰۹)، دونلمن (۲۰۰۶)، مرادزاده (۱۳۹۰) و حسنی (۱۳۸۸) مطابقت دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1- Chi et al
2- Krishnan & Visvanathan
3- Joo Ann Ho
4- Ahmed & Duellman
5- Roychowdhury

منابع و مأخذ

۱. آذر، عادل و مؤمنی، منصور. ۱۳۸۱. آمار و کاربرد آن در مدیریت. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.
۲. بادآور نهندي، یونس، برادران حسن زاده، رسول و محمودزاده، سعید (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین برخی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹، بهار، ص ۱۳۰.
۳. چالاکي، پری، ایمانی برندق، محمد و عزیززاده، یحیی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری، کنفرانس بین المللی جهاد اقتصادی.
۴. حساس یگانه، یحیی، ۱۳۸۵، حاکمیت شرکتی در ایران، مجله حسابرس، شماره ۳۹.
۵. حساس یگانه، یحیی و پوریانسب، امیر، (۱۳۸۴)، نقش سرمایه گذاران نهادی در حاکمیت شرکتیهای سهامی، ماهنامه حسابدار، شماره های ۱۶۴ و ۱۶۵، مهر و آبان ۱۳۸۴.
۶. حسنی، عباس. ۱۳۸۸، رابطه ترکیب هیأت مدیره و درصد مالکیت مدیران غیرموظف هیأت مدیره با محافظه‌کاری در حسابداری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۷. قالیباف اصل، حسن و رضایی، فاطمه، ۱۳۸۶، بررسی تأثیر ترکیب هیأت مدیره بر عملکرد شرکتیهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات مالی، شماره ۲۳.
۸. کردستانی، غلامرضا و امیر بیگی لنگرودی، حبیب، ۱۳۸۷، محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲.
۹. مرادزاده، مهدی، بنی مهد، بهمن و دیندار یزدی، مهدی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکت، حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره هشتم، بهار، ص ۸۹.
۱۰. مجتهدزاده، ویدا (۱۳۸۰)، محافظه‌کاری، حسابداری، شماره ۱۴۵، ۲۲-۲۴.
۱۱. مهرانی، کاوه، حلاج، محمد و حسنی، عباس (۱۳۸۸)، بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با اقلام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره سوم، پاییز، ۱۰۷.
12. Ahmed, A. S., and S. Duellman (2007). Accounting conservatism and board of directors Characteristics: An empirical analysis, *Journal of Accounting and Economics* 43: 411-437.
13. Ball, R. (2001). Infrastructure requirements of an economically efficient system of public financial reporting and disclosure, *Brookings-Wharton Papers on Financial Services*, 127-169.
14. Ball, R., and L. Shivakumar (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness, *Journal of Accounting and Economics* 39: 83° 128.

15. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings, *Journal of Accounting and Economics* 24 (1): 3° 37. 24) Chi, W.; Liu, C., and T. Wang (2009). What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective, *Journal of Contemporary Accounting & Economics* 5: 47° 59.
16. Chi, W.; Liu, C., and T. Wang (2009). What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective, *Journal of Contemporary Accounting & Economics* 5: 47° 59.
17. Duellman, S. (2006). Evidence on the role of accounting conservatism and corporate governance, North Dakota State University, North Dakota.
18. Fama, E., and M. C. Jensen (1983). Separation of ownership and control, *Journal of Law and Economics* 26: 301-325.
19. García Lara, J. M.; Garcia Osma, B., and F. Penalva (2009). The Economic Determinants of Conditional Conservatism, *Journal of Business Finance & Accounting* 36: 336° 372.
20. García Lara, J. M.; García Osma, B., and A. Mora (2005). The effect of earnings management on the asymmetric timeliness of earnings, *Journal of Business Finance and Accounting* 34 (3-4): 691-726.
21. Joo Ann Ho (2009). Association between Board Characteristics and Accounting Conservatism: Empirical Evidence from Malaysia, Auckland University of Technology (AUT), on line, <http://www.ssrn.com>.
22. Krishnan, G, and G. Visvana than (2008). Does the SOX Definition of an Accounting Expert Matter? The Association between Audit Committee Directors' Accounting Expertise and Accounting Conservatism, *Journal of Contemporary Accounting Research* 25: 827-857
23. La Fond, R., and R. Watts (2008). The information role of conservatism, *The Accounting Review* 83 (2): 447° 478.
24. La Fond, R., and S. Roychowdhury (2008). Managerial ownership and accounting conservatism, *Journal of Accounting Research* 46: 101-135.
25. OECD. (1999). corporate governance in Asia: A comparative perspective. Paper presented at the Conference Proceedings, Seoul, Korea.
26. Smith, J. M. Jr., and F. K. Skousen (1987). *Intermediate Accounting*, 9th Edition, South-Western Publishing, Cincinnati, Ohio.
27. Watts, R. (2003). Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications, *Accounting Horizons* 17 (3): 207° 221.
28. Watts, R. L., Zimmerman, J. L., 1986. *Positive accounting theory*. Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ.
29. Xia, D, and S. Zhu (2009). Corporate Governance and Accounting Conservatism in China, *CHINA JOURNAL OF ACCOUNTING RESEARCH* 2 (2): 81-108.